

پیدایش و تکامل موسیقی

تمدن با تمام عظمت خود در حقیقت برای رسیدن به این عظمت پلی از بیگانگی میان انسان و نیازهای انسانی بنا کرده است. موسیقی که در بدو پیدایش جوامع بشری از بشر جدا نبود امروز در مقابل بشر قرار گرفته است و راهی که امروز برای شناخت موسیقی باید طی کنیم همانند راهی که برای شناخت خود در پیش داریم راهی بسیار دشوار و طولانی می نماید. موسیقی چیست بگذاریم که موسیقی خود تعریف خودش را پیدا کند.

بدورترین گذشته بیندیشیم به انسان اولیه که در شرائط گوناگون مکانی و زمانی در کار غلبه بر طبیعت و تثبیت هستی خود بود. این تثبیت احتیاج به بیان داشت و صوت بعنوان ماده خام می توانست نوع خاصی از بیان باشد و این نوع خاص بیان آن چیزی بوده و هست که ما بنام موسیقی می شناسیم.

ما باید قادر باشیم که پیدایش و تکامل موسیقی را دائماً در ارتباط با شرائط طبیعی - اجتماعی و تاریخی که انسان و نیازهای انسانی را پرورش داده اند مطالعه کنیم و در عین حال متوجه تماسها و برخورد های شرائط فوق الذکر با خود آگاهی فردی باشیم و به این ترتیب طبیعی است که ارکان اصلی تشکیل دهنده موسیقی که از شرائط نامبرده متأثر است نزد اقوام مختلف اشکال گوناگون بخود پذیرفته است. اگر بتوانیم بخود اجازه دهیم که این ارکان را جدا از هم مطالعه کنیم عبارت خواهند بود از:

۱- ضرورت بیان

۲- نحوه بیان

۳- امکانات فنی مورد استفاده از موسیقی

محتوای فکری موسیقی برخلاف سایر هنرها بویژه ادبیات به یاری لغات قابل شرح و بیان نیست.

بدین ترتیب هر نوع کوشش برای یافتن تعاریف لغوی برای محتوای فکری موسیقی - غیر موسیقی و حتی ضد موسیقی خواهد بود.

نحوه بیان را میتوان در فرمهایی جستجو کرد که در آنها موسیقی قابل ارائه است و در این مورد فرم شناسی موسیقی قادر است عناصر و ارکان تشکیل دهنده يك قطعه موسیقی را با دقت بسیار توضیح دهد.

منظور از امکانات تکنیکی مورد استفاده در این مرحله از مطالعه ما، سازها هستند که بتدریج در مراحل گوناگون تاریخی بوجود می آمدند و تکامل پیدا میکردند، ما باید پیوسته این واقعیت را که سازها تکامل پیدا کرده و می کنند در نظر داشته باشیم زیرا هنوز بسیاری شنوندگانی که نمی خواهند انواع جدید موسیقی را که بكمك امکانات جدید تکنیکی بوجود آمده اند بشنوند و بشناسند و تصور میکنند سازهای متداولی که آنها میشناسند چندین هزار سال پیش از آسمان نازل شده و تا ابد تنها وسائل ارائه موسیقی اند.

بگذشته باز گردیم. اقوام مختلف نسل به نسل بکمک امکانات تکنیکی موجود و امکانات در حال تکامل (تکاملی موازی با تکامل تفکرات موسیقی آنها) به بیان افکار خود می پرداختند همانطور که در گذشته آنها به امکاناتی برای بیان يك مقدار از محتوی های ذهنی خود دست یافته بودند که جز بکمک اصوات قابل بیان نبود. آنها موسیقی می آفریدند و تقسیم بندی امروزی ما: مصنف - اجرا کننده - و شنونده با محیط موسیقی آنروز قابل تطبیق نبود. اما بتدریج تکامل سازها مشکل های جدیدی پدید آورد. مهمترین آن مشکل تر شدن اجرای موسیقی بود. در این مرحله بود که بتدریج بعضی تخصص در اجرای موسیقی را پیشه خود میکردند و این موضوع سنت بسیار بزرگی را پایه گذارد که آن در مقابل هم قرار گرفتن شنونده و موزیسین حرفه ای و طبیعی بود. خود آگاهی فعال برای آفرینش انفرادی و آهنگسازی از نتایج تاریخی همین مرحله بود.

بدین ترتیب و بتدریج فرهنگ های موسیقی بوجود آمدند و همزمان با این تکامل احساس مسئولیت برای حفظ فرهنگ ها پدید آمد. متفاوت بودن نوع ادراک مسئولیتی که برای حفظ فرهنگ ها احساس میشد علت اساسی این واقعیت است که حافظین و مدافعین فرهنگ ها به گروه های مختلف تقسیم میشوند گروه هایی که بطور نهائی در دو قطب مخالف قابل توضیح هستند. دو گروه که هرگز نمی توانستند و نمی توانند همدیگر را تحمل کنند.

گروهی که برای حفظ فرهنگ ها دچار يك نوع اعتقاد و تعصب میشد و گروهی دیگر که معتقد بود و هست که فرهنگ فقط در پیشرفت و در تکامل میتواند حفظ شود.

در این مرحله از مطالعه خود به همین اشاره کوتاه به مبارزه دائمی مدافعین سنت و نوجوانان قناعت میکنیم و بجای آن میکوشیم با دقت بیشتری به نقطه عزیمت تحول در موسیقی ابتدائی بنگریم. شاید بتوانیم نتایجی از مطالعه فعلی انفعالات موسیقی اولیه بیابیم که برای درک بهتر موسیقی دیروز و امروز مفید واقع شوند.

گفتیم که تکامل تکنیکی سازها امکانات وسیع تری برای بیان محتوی بوجود می آورد در این مورد باید نکات مهم زیر را در نظر داشته باشیم مثلاً محتوی ذهنی که اجباراً خود را با امکانات تطبیق می داد و از خود مایه می گذاشت، دائماً این نیاز را که امکانات بیشتری باید بوجود بیایند، تقویت میکرد و از طرف دیگر امکانات جدید تکنیکی محتوی ذهنی را متوجه خود میکردند و بدین ترتیب این هر دو در هم تأثیر متقابل داشتند و نیازمند یکدیگر بودند و این احتیاج متقابل تحرك را ممکن می ساخت. و ضرورت راز این تحرك بود و انسان حامل این راز و بعبارت دیگر همانطور که قبلاً اشاره کردیم باید بکوشیم انسان آفریننده موسیقی را در محیط زندگی و در ارتباطش با شرائط اصلی که در آغاز مطالعه خود نام بردیم مطالعه کنیم.

حسینعلی ملاح

